

تحليل استخدام أسلحة الدمار الشامل في ضوء القواعد الفقهية الشرعية

فاطمة باغي مورثاني^١

سيد مصطفى ميرمحمدي عزيزي^٢

رضا اسفندياري^٣

[تاريخ الاستلام: ١٤٠٣/٠٣/٢١؛ تاريخ القبول: ١٤٠٣/٠٧/٠٢ هـ ش]

الملخص

من بين القضايا المستجدة في الوقت الحاضر هو استخدام أسلحة الدمار الشامل، حيث قام فقهاء المذاهب بتوضيح حكم استخدام هذه الأسلحة سواء في الهجوم الأولي أو الدفاع ضد العدو أو مجرد امتلاكها في وقت السلم بناءً على الآيات والروايات والقواعد والمباني الفقهية الإسلامية. وفقاً للقواعد الفقهية، هناك مسألتان تواجهها: الأولى هي ما إذا كان استخدام هذه الأسلحة في وقت الحرب (هجوم أولي أو دفاع) جائزاً أم لا؟ والثانية هي ما إذا كان إنتاج وتخزين هذه الأسلحة لأغراض الردع في وقت السلم جائزاً أم لا؟ في هذا البحث، الذي استخدم منهجاً وصفيًا-تحليليًا، وبناءً على وجهة نظر غالبية العلماء والفقهاء من مختلف المذاهب، يمكن الإجابة على المسألة الأولى بالقول إن الأصل هو عدم الجواز إلا في حالات الضرورة مثل الدفاع الشرعي، وذلك استناداً إلى قواعد مثل «لا ضرر»، و«العدل»، و«المقابلة بالمثل»، و«منع الفساد في الأرض»، و«الوزر»، وغيرها. أما بالنسبة للمسألة الثانية، وبالنظر إلى

١. طالبة دكتوراه في الدراسات المقارنة للمذاهب الفقهية، جامعة الأديان والمذاهب، قم، إيران (المؤلف المسؤول) mohaghegh.f.baghi@gmail.com

٢. أستاذ مشارك، قسم القانون الدولي، جامعة مفيد، قم، إيران mostafa.mirmohammadi@gmail.com

٣. أستاذ مشارك، معهد بحوث الفقه والقانون، معهد بحوث العلوم والثقافة الإسلامية، قم، إيران r.eslami@isca.ac.ir

استخدام الردع والسعي للقوة، يمكن اعتبار إنتاج وتخزين هذه الأسلحة جائزاً بل وضرورياً لتخويف الأعداء والحفاظ على النظام الإسلامي وضرورة اعتلاء الإسلام، وذلك بناءً على قواعد فقهية مثل «عدم الاستيلاء»، و«المصلحة»، وغيرها.

الكلمات المفتاحية: أسلحة الدمار الشامل، القواعد الفقهية، الدفاع عن النفس، الرد، الأسلحة النووية

واکاوی کاربرد تسلیحات کشتار جمعی در پرتو قواعد فقهی مذاهب

فاطمه باغی مورنانی^۱

سید مصطفی میر محمدی عزیزی^۲

رضا اسفندیاری^۳

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۲۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۰۲]

چکیده

یکی از مسائل مستحدثه در زمان حاضر، کاربرد تسلیحات کشتار جمعی است که فقه‌های مذاهب، حکم استفاده از این تسلیحات را به صورت حمله ابتدایی یا دفاع در برابر دشمن یا صرفاً دارا بودن آن را در زمان صلح براساس آیات و روایات و قواعد و مبانی فقهی اسلام بیان کرده‌اند. براساس قواعد فقهی دو مسئله پیش روی ما قرار دارد؛ اول اینکه آیا استفاده از این تسلیحات در زمان جنگ (حمله ابتدایی یا دفاع) جایز است یا خیر؟ دوم اینکه آیا تولید و انباشت این تسلیحات از جهت بازدارندگی در زمان صلح جایز است یا خیر؟ در پژوهش حاضر که از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است، براساس دیدگاه غالب علما و فقه‌های مذاهب، در پاسخ به مسئله اول می‌توان با توجه به قواعدی چون لاضرر، عدالت، مقابله به مثل، منع فساد فی الارض، و زور و... اصل را بر عدم جواز گذاشت؛ مگر به خاطر ضرورتی مانند دفاع مشروع. در پاسخ به مسئله دوم، با توجه به کاربرد

۱. دانشجوی دکتری مطالعات تطبیقی مذاهب فقهی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول) mohaghegh.f.baghi@gmail.com

۲. دانشیار گروه حقوق بین الملل، دانشگاه مفید، قم، ایران mostafa.mirmohammadi@gmail.com

۳. دانشیار پژوهشکده فقه و حقوق، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران r.eslami@isca.ac.ir

بازدارندگی و قدرت طلبی، قواعد فقهی نظیر عدم استیلاء، مصلحت و... می توان تولید و انباشت این تسلیحات را با توجیه ارباب دشمنان و حفظ نظام اسلامی و ضرورت اعتلای اسلام، جایز و بلکه ضروری دانست.

کلیدواژه: تسلیحات کشتار جمعی، قواعد فقهی، دفاع مشروع، مقابله به مثل، سلاح هسته ای

۱. مقدمه

احکام و مقررات اسلامی به صورت جزئی و تفصیلی درباره همه مسائل، موضوعات و وقایع بیان نشده است؛ بلکه مجتهدان برای حل مسائل مستحدثه باید به منابع و مدارک معتبر مراجعه کنند تا با توجه به همه جوانب نظر خود را بیان کنند. قواعد فقهی نه به معنی اختراع و وضع قواعدی از سوی مجتهدان، بلکه به معنی کشف و گردآوری آن قواعد از لایه‌های منابع دینی اعم از قرآن و سنت در قالب کلی خود است. در خصوص تفاوت قاعده فقهی با مسئله فقهی باید گفت که مسئله فقهی حکم خاص و قاعده فقهی یک حکم کلی است که فقیه در پاسخگویی به مسائل مستحدثه از آن استفاده می‌کند (محمدی، ۱۳۸۷: ص ۱۴).

اگرچه دانش هسته‌ای و شیمیایی و بیولوژیک در زندگی بشر اهمیت فراوان و فوائد بی‌شمار، بلکه حیاتی برای انسان دارد؛ اما سلاح‌های ساخته شده در سایه همین علوم دارای آثار وحشتناکی است که حتی قوانین بشردوستانه، استفاده از آنها را به دلیل وجود چهار ویژگی، غیرمجاز می‌داند: ۱- عدم تفکیک بین نظامیان و غیرنظامیان ۲- نابودی و تخریب گسترده محیط زیست ۳- کشتار وسیع و تلفات گسترده انسانی در مقایسه با سلاح‌های متعارف ۴- جبران ناپذیر بودن صدمات و آثار ناشی از عوارض آن سلاح‌ها (ساعد، ۱۳۹۰: ص ۵۱).

سلاح‌های کشتار جمعی در زبان انگلیسی به «Mass destruction weapons» و در زبان عربی به «اسلحه الدمار الشامل» تعبیر شده است. این سلاح‌ها با معادل‌های دیگری هم شناخته می‌شوند، مانند انهدام جمعی و نامتعارف.

منظور از سلاح کشتار جمعی، جنگ افزاری است که کاربست آن، شمار زیادی از انسان‌ها را بدون کنترل و تفکیک از بین می‌برد و خسارت فراوانی به سازه‌های ساخت بشر یا محیط زیست وارد می‌سازد. در بیانیه توافقات پاریس سال ۱۹۴۵ م. در تعریف سلاح

کشتار جمعی تصریح شده است: «سلاح‌هایی که قابلیت انهدام و زیان‌های گسترده یا ایجاد مسمومیت در سطح وسیع را دارند؛ مانند بمب‌های هسته‌ای، رادیواکتیو، شیمیایی و بیولوژیکی کشنده و هر نوع سلاحی که در آینده ساخته شود و دارای اثرات مخرب مشابه سلاح‌های ذکر شده باشد» (ممتاز، ۱۳۷۷: ص ۱۴؛ ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۵: ص ۱۸۹). در زمان گذشته سلاحی با ویژگی‌های مذکور وجود نداشت، لذا فقها و حقوق دانان اسلامی با توجه به عدم وجود نصوص شرعی، برای حل مسئله کاربرد تسلیحات کشتار جمعی با رجوع به قواعد نشئت گرفته از منابع فقهی، حکم حرام بودن یا جایز بودن تولید و انباشت و به کارگیری این تسلیحات را در شرایط مختلف استنباط نموده‌اند (ایزدی فرد، ۱۳۹۵: ص ۱۵۴ و ۱۵۸).

امروزه تسلیحات مخرب بسیاری در سراسر جهان در حال تولید یا آماده سازی وجود دارند که می‌توانند مصداق سلاح کشتار جمعی بوده و برای سلامتی و حیات نسل حال و آینده و نیز محیط زیست خطرناک باشند. مسئله این است که طبق قواعد فقهی آیا کاربرد این تسلیحات به عنوان ابزار جنگی و دفاعی یا بازدارنده جایز است یا خیر. در صورتی که پاسخ، مثبت یا منفی باشد قواعد فقهی در خصوص تحدید یا توسعه سلاح‌ها و ابزارهای جنگی مخرب و نیز ابعاد و اهمیتِ مصونیت انسان‌ها و محیط زیست چه ملاک و معیاری را مشخص می‌کنند؟

۲. پیشینه

در مورد پیشینه تحقیق قابل ذکر است که کتاب قواعد فقه بشر دوستانه؛ مقدمه‌ای بر فقه تمدن که توسط انتشارات مجد در سال ۱۳۹۵ به چاپ رسیده، کاربرد تسلیحات کشتار جمعی را نسبت به محیط زیست از منظر قواعد فقه اسلامی مورد پژوهش قرار داده است. پژوهش‌های دیگری نیز در موضوعات تولید، انباشت و کاربرد تسلیحات

کشتار جمعی انجام شده است که صرفاً از نظر فقه اسلامی به آیات، روایات، عقل، اجماع و فتاوی فقهای شیعه و اهل سنت و چند نمونه قواعد فقهی پرداخته شده است؛ مثلاً در مقاله «قواعد فقهی منع کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی» که توسط مجله پژوهش‌های روابط بین‌الملل در سال ۱۳۹۹ به چاپ رسیده، به ممنوعیت استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی و چالش‌های آن با توجه به قواعد و هنجارهای فقهی پرداخته شده است؛ همچنین تأثیر هنجارها و قواعد و ارزش‌ها بر ممنوعیت کاربرد تسلیحات کشتار جمعی مورد بررسی قرار گرفته است. تاکنون به صورت پراکنده این قواعد فقهی همراه با فتاوا و اصول فقهی-اخلاقی در کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها و بیان مجتهدان مطرح شده است؛ ولی در این مقاله سعی بر آن است که قواعد فقهی مربوط به کاربرد تسلیحات کشتار جمعی در موقعیت جنگ و صلح به صورت جامع با روش توصیفی-تحلیلی بررسی شود.

۳. استفاده از تسلیحات کشتار جمعی در پرتو قواعد فقهی مذاهب

در این قسمت، از مجموعه اصول کلی و قواعدی سخن به میان می‌آید که با کاربرد تسلیحات کشتار جمعی مرتبط است. با توجه به تفاوت کاربردهای تسلیحات کشتار جمعی در زمان جنگ یا در زمان صلح، برای روشن شدن حکم منع یا جواز این تسلیحات، به بررسی قواعد فقهی مذاهب می‌پردازیم.

۳-۱. کاربرد تسلیحات کشتار جمعی در زمان جنگ

در زمان جنگ، تسلیحات مذکور می‌تواند در اقدام ابتدایی توسط آغازگر جنگ یا در اقدام ثانوی به عنوان دفاع مورد استفاده قرار بگیرد.

۳-۱-۱. زمان حمله

با عنایت به اینکه در اسلام بسیار تأکید شده که به جز مواقع ضروری، مسلمانان آغازگر جنگ نباشند و در صورت پیروزی از تعرض به زنان، کودکان، افراد سالخورده و ناتوان خودداری کنند و به حقوق این افراد تعرض نکنند و متخلفان را مؤاخذه نمایند، به نظرمی‌رسد اسلام در موقعیت جنگی نهایت احتیاط را مورد توجه قرار داده است؛ از این رو از نظر غالب فقهای شیعه و اهل سنت طبق حکم اولیه استفاده از تسلیحات کشتار جمعی در موقعیت تجاوز نهی شده است.

در این قسمت با توجه به قواعد فقهی نظیر لاضرر، قاعده عدالت، قاعده منع فساد فی الارض، قاعده لایقتل و... عدم جواز استفاده از این تسلیحات در آغاز جنگ (حمله ابتدایی) بررسی می‌شود.

۳-۱-۱. قاعده لاضرر

طبق قاعده «لا ضرر ولا ضرار فی الاسلام» هرگونه ضرر و ضرار در اسلام به طور مطلق ممنوع شده است؛ یعنی هر نوع ضرری را اعم از ضرر در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، نظامی، امنیتی، جانی، مالی، حیثیتی یا ضررهای ناشی از موضوع یا حکم و نیز ضرر از ناحیه شخص حقیقی یا حقوقی شامل می‌شود. از سوی دیگر این قاعده به ضررهای شخصی اختصاص ندارد؛ بلکه شامل اضرار عمومی هم می‌شود؛ به طوری که اهمیت ضرر عمومی به مراتب بیشتر از ضرر فردی است. ضررهای وارد بر محیط زیست معمولاً از سنخ ضررهای عمومی‌اند که حیات نوع بشر را در معرض آسیب جدی قرار می‌دهند. تسلیحات کشتار جمعی می‌تواند در زمان کوتاهی، فاجعه‌ای ایجاد کند که

دامنه ضرر و اضرار آن به غیر نظامیان نیز کشیده شود و حتی سایر جانداران را نیز قلع و قمع کرده و محیط زیست را برای همیشه یا برای مدتی طولانی غیر قابل استفاده کند. استفاده از سلاح های کشتار جمعی از آنجا که مصداق بارز ضرر و اضرار است؛ آن هم به طور ناجوانمردانه و وحشیانه، ممنوع است (سبحان، ۱۳۹۹: ص ۱۲۴). برای اثبات این قاعده در منابع شیعه و اهل سنت به ادله قرآنی و روایی استدلال شده است (مکارم، ۱۳۷۴: ص ۳۶-۶۲).

۳-۱-۱-۲. قاعده حرمت سعی فساد فی الارض

این قاعده برگرفته از حکم کلی قرآنی است که در وصف انسان های شرور آمده است. مکرر در آیات و روایات مختلف از تخریب محیط زیست و نابودی نسل بشر و حیوانات به عنوان شاخص ترین مصادیق فساد در زمین یاد شده است که مرتکبان آن به مفسدین فی الارض توصیف شده اند (بقره: ۲۰۴-۲۰۵؛ قصص: ۷۷؛ اعراف: ۸۵). اگر فساد را به معنای رفتار بشر بدانیم که به نابودی نعمت های الهی منتهی شود، بدون هیچ تردیدی مطابق آموزه های قرآنی هر گونه فساد در زمین که حاصل عمل انسان باشد، نهی شده است. مفسران قرآن از راه تفسیر آیات به قاعده حرمت افساد به طور کامل دست یافته اند (لطفی و همکاران، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۴۲). علاوه بر این فقهای شیعه و اهل سنت بر طبق آیات و روایات متعدد، هر گونه تصرف و تغییر در جامعه انسانی و طبیعت را که موجب تضییع حقوق دیگران شود، ممنوع می دانند. بنابراین استفاده از تسلیحات کشتار جمعی به عنوان مصداق بارز فساد به دلیل ایجاد تخریب و تغییر فاجعه آمیز در محیط زندگی انسان و سایر جانداران هیچ گونه مجوزی نخواهد داشت.

۳-۱-۳. قاعده عدالت

طبق این قاعده، حق حیات و استفاده از هوا و آب سالم از اولین و ضروری‌ترین حقوق هر انسان بوده و بی‌شک ویرانگری طبیعت از روشن‌ترین مصداق ستمگری است. بر اساس این قاعده، استفاده از تسلیحات کشتار جمعی که باعث ضررهای جبران‌ناپذیری می‌شود، ممنوع است. این ضررها عبارتند از: تخریب منابع طبیعی و زیست‌محیطی، نابودی مراتع و حیات وحش، آلوده شدن هوا و محیط‌زیست و آب‌های سطحی و زیرزمینی، قطع درختان، به خطر انداختن لایه ازن و اخلاص بزرگ و جبران‌ناپذیر در عرصه هستی، تبعات منفی و اثرات نامطلوب در جامعه از قبیل بیماری‌ها (انواع سرطان، مشکلات اعصاب و روان)، انقطاع نسل و سلب حق سلامتی از نسل‌های بعد. هرگونه تخریب منابع طبیعی و محیط‌زیست به دور از عدالت است و از نظر منطق اسلامی، ممنوع و ضمان‌آور است (نیک‌نام، ۱۴۰۲: ص ۳۰۴-۳۰۸). از سوی دیگر می‌توان گفت در مخاصمات باید صرفاً نیروهای رزمنده دشمن و همکاران آنها را طرف مبارزه دانست و نابود کردن نسل دشمن و محیط‌زیستی که متعلق به آیندگان از جمعیت دشمن است، برخلاف عدالت است؛ خصوصاً با توجه به تفسیر آیاتی که در آنها به مسئله به وجود آمدن فرزندان مؤمن از صلب کافران اشاره شده است؛ بنابراین باید برای این فرزندان، حق حیات و محیط‌زیست سالم را پذیرفت. همچنین قرآن با عبارت «وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ...» (بقره: ۲۰۵) این‌گونه این اقدام را مذمت کرده است؛ مگر آنکه ضرورت اهم وجود داشته باشد و تهاجم و ایجاد خسارت شدید به دشمن به خاطر امر اهم پذیرفته شود؛ چنان‌که گاهی تخریب زیرساخت‌های اقتصادی دشمن به خاطر وادار کردن آنها به تسلیم، تجویز و تصریح شده است: «مَا قَطَعْتُمْ مِنْ لَيْنَةٍ أَوْ

تَرَكْتُمُوهَا قَائِمَةً عَلَىٰ أُصُولِهَا فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَلِيُخْزِيَ الْفَاسِقِينَ؛ آنچه از درخت خرما [که در مالکیت این دشمنان غدار بود] بریدید یا آنها را بر ریشه‌ها و تنه‌هایش رها کردید، به فرمان خدا بود تا نافرمانان را زیون و رسوا کند» (حشر: ۵).

۳-۱-۱-۴. قاعده «لا یقتل غیر المقاتل»

طبق مفهوم این قاعده می‌توان قائل شد که تفکیک افراد در مخاصمات مسلحانه، به مقاتل بودن یا مقاتل نبودن آنان بستگی دارد. از این رو هر کس اصولاً دخالتی در جنگ نداشته باشد یا علی‌رغم حضور در میدان جنگ در مقام قتال نباشد و قصدی بر این کار نداشته باشد، غیرمقاتل محسوب می‌شود و کشتن او ممنوع است. طنطاوی و زحیلی در تفاسیر خود ذیل آیه مذکور، قائل بر این هستند که غیررزمندگان نباید در جنگ مورد هدف قرار گرفته شوند (فیروزی، ۱۳۹۲: ص ۵۰-۵۹).

برای اثبات حجیت این قاعده به قرآن و سنت استدلال شده است؛ ازجمله اینکه خداوند در سوره بقره آیه ۱۹۰ می‌فرماید: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ؛ و در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند بجنگید، و [هنگام جنگ از حدود الهی] تجاوز نکنید، که خدا تجاوزکاران را دوست ندارد». در این آیه با وجود قرینه «الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ»، جنگ و قتال را مختص مقاتلین (مبارزین) می‌داند و قتال با کسانی که با مسلمانان سر جنگ ندارند، اعتدا و تجاوز از حدود الهی شمرده می‌شود (مغنیه، ۱۴۲۴ق: ج ۱، ۲۹۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲، ص ۲۰).

شیخ طوسی و عمو فقیهان پس از ایشان نیز قائل بر این هستند که قتال با زنان جایز نیست؛ حتی اگر زنان با مسلمانان اقدام به قتال کردند و به همسران و مردانشان یاری

رساندند، تا جایی که ممکن است باید از کشتن آنان اجتناب شود (طوسی، ۱۳۶۵ ش: ج ۲، ص ۱۳؛ زحیلی، ۱۴۱۹: ص ۵۰۳). بر اساس این قاعده، استفاده از تسلیحات کشتار جمعی به دلیل تفکیک نکردن بین نظامیان و غیرنظامیان، ممنوع و نامشروع است. از سوی دیگر، هر چند می‌دانیم که غیرنظامیان نیز جزء کشور متخاصم هستند که بر فرض جوازِ مقاتله به وسیله سلاح‌های جنگی، در ردیف نظامیان کشته می‌شوند و ممکن است به دلیل تحت ستم بودن و پذیرش حکومت ظالمان، دیگر بی‌گناه محسوب نشوند یا به عبارت دیگر نظامیان و غیرنظامیان در کشور متخاصم با حکومت اسلامی هر دو در جرم متخاصمه شریک فرض گردند؛ ولی این سخن از جهتی ضعیف و غیرقابل قبول است؛ چون برخی نظامیان و غیرنظامیان قدرت مقابله با حکومت ظالم خود را ندارند و یا شرایط نهی از منکر برای آنها موجود نیست و چه بسا از حکومت خود به دلیل متخاصمه با حاکم اسلامی ناراضی باشند؛ پس حاکم اسلامی باید از آسیب‌ندیدن این قشر در جنگ مطمئن شود.

البته با توجه به تغییر ماهیت و وضعیت جنگ‌های قدیم با متخاصمات مسلحانه امروزی، گستره افراد مورد حمایت در جنگ‌ها تغییر یافته است؛ برای مثال در قدیم معمولاً همه مردان به جنگ می‌رفته‌اند و فقط زنان و کودکان و ناتوانان از جنگیدن معاف بودند؛ بنابراین عنوان مقاتل بر همه مردان اطلاق می‌شد و غیررزمندگان فقط شامل زنان، کودکان، پیران و برخی افراد خاص دیگر می‌شدند. همچنین در جنگ‌های امروزی، صرفاً فقط بخشی از مردان در قالب نیروهای مسلح این وظیفه را بر عهده دارند و در برخی کشورها زنان رسماً به خدمت نیروهای مسلح درآمده‌اند. علاوه بر این در جنگ‌هایی که در مناطق مسکونی و شهرها رخ می‌دهد، غالب مردم دخالتی در امور جنگ ندارند. مفسران شیعه و اهل سنت از این آیه، لزوم تمایز میان نظامیان و غیرنظامیان و حمایت از زنان و کودکان، سالخوردگان و بیماران، راهبان و مجروحان را در زمان جنگ برداشت کرده‌اند (قربان‌نیا، ۱۳۹۲: ص ۴۹-۵۰).

۳-۱-۱-۵. قاعده تابعیت

مطابق قاعده «یثبت تبعاً ما لایثبت استقلالاً» می‌توان چیزی را که در حالت استقلالی ثابت نمی‌شود، در حالت تبعی ثابت کرد. این قاعده دلالت روشنی بر نظریه تابعیت در استفاده از سلاح‌های جنگی دارد (طوسی، ۱۳۶۵ش: ج ۲، ص ۱۱؛ زحیلی، ۱۴۲۷ق: ص ۴۶۸). شرط مهم برقراری و اجرای قاعده آن است که تبعیت عرفی تحقق یابد و تنها با تحقق این شرط است که فعل در قالب تبعیت مجاز می‌گردد؛ به عنوان مثال اگر کشتار غیرنظامیان و تخریب و اتلاف اموال، اماکن و محیط زیست به گونه استقلالی رخ دهد، بر طبق ادله مانعه، جایز نیست؛ اما اگر در شرایط خاص جنگی، کشتار و تخریب، به گونه تبعی رخ دهد؛ به گونه‌ای که عرف با توجه به گستردگی کشتار و تخریب، آن را تابع کشتار نظامیان دشمن و در ضمن آن تلقی کند، می‌توان آن را جایز شمرد.

استفاده از تسلیحات کشتار جمعی در حالت ضرورت جنگی در صورتی مجاز است که کشتار غیرنظامیان و حیوانات و تخریب و اتلاف اموال، اماکن و محیط زیست برای کشتار نظامیان دشمن ضرورت داشته باشد و تابعی از کشتار نظامیان قلمداد شود. بر این اساس، اگر استفاده از سلاحی خاص، منجر به کشتار وسیع غیرنظامیان و تخریب و اتلاف گسترده و فراگیر شود، به گونه‌ای که عرف این کشتار و تخریب را به نحو استقلالی و اصیل به شمار آورد و کشتار نظامیان را تابعی از آن قلمداد کند، نمی‌توان به جواز استفاده از این سلاح حکم داد. از این رو فتوای آیت‌الله خامنه‌ای بر حرمت استفاده از سلاح هسته‌ای، دقیقاً منطبق با نظریه تابعیت ارائه شده و نظریه مزبور نیز متکی بر ادله شرعی است؛ چراکه کشتار و تخریب حاصل از سلاح هسته‌ای در همه حالات و شرایط، اصیل و استقلالی بوده و قابلیت سازگاری با نظریه مذکور را ندارد (احسانی فر، ۱۳۹۶: ص ۳۰).

برخی دیگر از فقیهان، در خصوص استفاده از سلاح‌های جنگی به مقایسه تعداد نظامیان و غیرنظامیان حاضر در منطقه مورد اصابت روی آورده‌اند؛ بدین صورت که اگر تعداد نظامیان از غیرنظامیان حاضر در منطقه بیشتر باشد، می‌توان از سلاح استفاده کرد و در حالتی که تعداد غیرنظامیان بیشتر از نظامیان باشد، نمی‌توان چنین کرد (طرابلسی، ۱۴۰۶ق: ج ۱، ص ۳۰۲). این ملاک نیز حاصل انعکاس نظریه تابعیت، در ذهن این دسته از فقیهان بوده است.

در حالت «تترس» که دشمن غیرنظامیان را سپر انسانی خویش می‌گمارد، برخی فقیهان در یورش به سپر انسانی معتقدند که اگر این خوف وجود داشته باشد که عدم کشتار سپر انسانی منجر به کشتار بسیاری از مسلمانان شود، کشتار سپر انسانی جایز است؛ ولی اگر خودداری از کشتار سپر انسانی به کشتار تعداد زیادی از مسلمانان منجر نشود، نمی‌توان به کشتار سپر اقدام کرد (ابوالبرکات، بی‌تا: ج ۲، ص ۱۷۸).

در جنگ، گاه ضرورت نظامی اقتضای تخریب قسمتی از اجزا و عناصر زیست‌بوم منطقه را دارد. در این حالت، اولاً تخریب و اتلاف باید برای کشتار نظامیان دشمن ضرورت داشته باشد و ثانیاً باید از نگاه عرف، این تخریب و اتلاف تابعی از کشتار نظامیان دشمن به شمار آید. به همین دلیل، تخریب و اتلاف در گستره‌ای وسیع و انبوه ممکن است موازنه تابعیت را وارونه کند و کشتار نظامیان را تابعی از تخریب و اتلاف نشان دهد. بر همین اساس، استفاده از برخی روش‌ها و ابزارهایی که به طور گسترده و غیرقابل کنترل باعث تخریب محیط زیست می‌شوند، جایز دانسته نشده؛ در حالی که روش‌های از بین برنده‌ای که به صورت محدود و تا حدی قابل کنترل، باعث اتلاف محیط زیست می‌شوند، جایز دانسته شده است (احسانی‌فر، ۱۳۹۶: ص ۱۲-۱۵).

۳-۱-۱-۶. قاعده «کل ما یرجی به الفتح یجوز»

طبق این قاعده، توسل به هر آنچه که به وسیله آن می‌توان به پیروزی رسید، جایز است. بسیاری از فقها در مباحث مرتبط با جهاد به این قاعده اشاره کرده‌اند؛ ولی هیچ‌کدام به طور مطلق جواز را برای «کل ما یرجی به الفتح» بیان نکرده‌اند؛ بلکه بلافاصله جمله خود را مقید به برخی حالات کرده یا برخی حالات را مستثنی کرده‌اند. فقیهان متعددی در باب کیفیت جهاد، ملاک در جنگ را حفظ اسلام و پیروزی مسلمانان دانسته‌اند و به استفاده از هر اقدامی برای پیروزی مسلمانان فتوا داده‌اند، صاحب کتاب شرائع الإسلام تصریح می‌کند: «اگر فتح از راهی به جز القای سم و همانند آن امکان نداشته باشد، جایز است و کشتن کودکان و زنان یاری‌کننده کفار هم در فرض اضطرار جایز است» (محقق حلی، ۱۴۰۸ق: ج ۱، ص ۲۸۳). شیخ طوسی نیز استفاده از هر آنچه که در کارزار، فتح مسلمین متوقف بر آن است را جایز و بلکه واجب می‌داند (طوسی، ۱۳۶۵: ج ۲، ص ۱۲). محقق کرکی می‌نویسد: «یجوز المحاربة بکل ما یرجی فیه الفتح» که از دیگر فقیهانی است که قائل شده است به جواز استفاده از هر گونه ابزار جنگی در فرض توقف پیروزی. محقق ثانی مستند حرمت استفاده از سم در جنگ را حمل بر کراهت می‌کند و می‌گوید: «لو توقّف الفتح علیه وجب» (محقق ثانی، ۱۴۱۴ق: ج ۳، ص ۳۸۴)؛ اما آقاضیاء عراقی قائل به تفصیل شده و برای رسیدن به پیروزی فقط استفاده از سلاح جنگی را جایز دانسته؛ ولی استفاده از سموم را حتی در فرض توقف پیروزی بر آن، ممنوع می‌داند (طباطبایی، ۱۴۱۸ق: ج ۸، ص ۶۹).

فضل الله نیز استفاده از تسلیحات کشتار جمعی را به عنوان اولی حرام و به عنوان ثانوی جایز می‌داند. این عنوان ثانوی همان توقف پیروزی بر دشمن و دفع غلبه آنان است که با صلاحدید ولی امر و بعد از رجوع به اهل خبره تحقق می‌یابد (فضل الله، ۱۴۱۹: ص ۲۹۶).

این ادبیات نشان می‌دهد اصل حاکمیت و لزوم تسلط مسلمانان بر کافران با استفاده از روش‌های غیرمتعارف جنگی، لااقل در فرض اضطرار، در میان فقیهان مطرح بوده است. عده‌ای نیز استفاده از این نوع تسلیحات را در باب ضرورت و در جایی که پیروزی بر دشمن متوقف بر استفاده از این تسلیحات باشد و دفع دشمنان بدون این سلاح ممکن نباشد و نتیجه جنگ بستگی به استفاده از این سلاح داشته باشد مجاز می‌دانند (موسی عوض، ۲۰۰۷: ص ۵۹). البته به نظر می‌رسد قاعده مستدل و معتبری وجود ندارد که هر عملی را برای فتح مسلمانان و غلبه بر دشمن تجویز کند؛ زیرا ادله‌ای یافت نشد که اثبات کند مسلمانان برای حفظ اسلام می‌توانند یا لازم است هر عملی انجام دهند. ما موظف به حفظ اساس اسلام هستیم در دایره‌ای که شرع جایز می‌داند؛ ولی این طور نیست که حفظ اسلام باشد؛ حتی اگر به کشتن هزاران زن و بچه کفار متوقف باشد.

۳-۱-۲. در زمان دفاع

با توجه به اهمیت حق دفاع مشروع، قرآن تأکید دارد که در هنگام دفاع در مقابل تجاوز دشمن، اقدام دفاعی با تجاوز تناسب داشته باشد (نحل: ۱۲۶). با توجه به قواعدی همچون منع اعتداء، قاعده مقابله به مثل، قاعده اضطرار و قاعده وزر و... در این بخش حکم استفاده از تسلیحات کشتار جمعی در زمان دفاع، در صورت استفاده دشمن بررسی می‌شود.

۳-۱-۲-۱. قاعده منع اعتداء

با توجه به آیه ۱۹۰ سوره بقره (وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ)، هر چیزی که در جنگ، صدق اعتداء کند مورد نهی واقع شده است. طبق نظر مفسران شیعه و اهل سنت ذیل آیه مذکور، حکم حرمت تجاوز از حد، به دلیل استفاده از

سلاح‌های غیرمتعارف قابل استدلال است. این نهی شامل می‌شود پیکار با کسانی که قصد جنگیدن ندارند و همچنین تخریب ساختمان‌ها یا از بین بردن درختان و محیط زیست و بستن آب برای دشمن یا مسموم کردن آب و شکنجه دشمن را نیز شامل می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۲، ص ۶۱؛ زحیلی، ۱۴۱۸: ج ۲، ص ۱۸۲). آیه شریفه دلالت بر این ندارد که اگر دشمنان هر نوع عملی را علیه مسلمانان انجام دهند، آنان نیز بتوانند با همان نوع عمل مقابله به مثل کنند؛ به علاوه، خود این آیه محکوم ادله حرمت افساد بر روی زمین است. بنابراین به کارگیری سلاح کشتار جمعی که شاخصه آن، غیرقابل کنترل بودن دامنه تخریب آن بوده و بسیاری از آثار استفاده از آن، مصداق تعدی و تجاوز از حد است، حرام است.

۳-۱-۲-۲. قاعده مقابله به مثل

مطابق این قاعده، شخص یا اشخاصی که مورد تعدی قرار گرفته‌اند، حق دارند با متعدی مقابله‌ای همانند کنند؛ اما در اجرای آن نباید باعث ایجاد ضرر به شخص ثالث یا طرف غیر درگیر جنگ یا ایجاد صدمه شدید و ناجوانمردانه به طرف مقابل شوند؛ به طوری که مقابله را از مثلثیت خارج کنند. در قرآن کریم برای «مقابله به مثل» عبارات ذیل مورد استناد فقها قرار گرفته است:

«اعتدا به مثل»: هر کس به شما تجاوز کرد، همانند آن بر او تعدی و تجاوز کنید (بقره: ۱۹۴).

«معاقبه به مثل»: هرگاه خواستید کیفر نمایید، تنها به مقداری که به شما تعدی شده است کیفر کنید (نحل: ۱۲۶).

«جزای سیئه»: مطابق این آیات، هر بدی باید با مجازاتی هم‌سنگ خود مواجه شود (غافر: ۴۰؛ یونس: ۲۷).

طبق نظر علمای شیعه و اهل سنت با توجه به آیات مذکور، مقابله به مثل حق مسلم مسلمانان در مقابل تجاوز دشمن است (Djanaralieva, 2023: p13؛ لطفی احمد، ۲۰۱۴: ص ۷۷).

همچنین این آیات، دلیلی بر مشروعیت دفاع است؛ البته در صورتی که این دفاع مشروع، متناسب با تجاوز باشد و بر اساس قاعده «الاسهل فالاسهل» به صورت تدریجی و با شدت کمتر آغاز شود و منجر به فساد نگردد؛ درحالی که استفاده از تسلیحات کشتار جمعی از نظر شدت در بالاترین سطح ممکن قرار می گیرد و خسارات غیرقابل کنترل و جبران ناشدنی در پی دارد (لطفی و همکاران، ۱۳۹۵: ص ۱۹۵). اگر احتمال از میان رفتن جامعه اسلامی به دلیل استفاده دشمن از تسلیحات کشتار جمعی وجود داشته باشد، می توان در مقام دفاع مشروع، اقدامی انجام داد که خسارت سنگین به کشور مهاجم وارد کند؛ چراکه زمانی که یک کشور بیم نابودی اش وجود دارد، مشروعیت اقدام دفاعی، از ادله آیات و روایات و عقل و... استخراج می شود. از نظر کلیه فقههای مذاهب، اصل حفظ کیان اسلام و جامعه اسلامی، بسیار مقدس و واجب است؛ البته بنابر نظر برخی از فقههای اهل سنت در صورتی که با کاربرد تسلیحات کشتار جمعی از سوی دشمن، خطر نابودی کشور اسلامی وجود داشته باشد، اصل حفظ کیان کشور اسلامی بر سایر قواعد اولویت دارد؛ لیکن فقههای شیعه به جز موارد استثنایی برای استفاده از این تسلیحات، مجوزی صادر نکرده اند (قربان نیا، ۱۳۹۲، ص ۵۵؛ محقق داماد، ۱۴۰۰: ص ۲۲؛ خویی، ۱۴۱۰: ص ۳۷۲؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰: ص ۳۹۳).

برخی از فقیهان اهل سنت معتقدند حفظ جامعه اسلامی ایجاب می کند که گاهی مقابله به مثل در یک اقدام پیش دستانه صورت گیرد؛ اما از آنجایی که مقابله به مثل جنبه کنشی ندارد، حتماً باید تعدی محقق شود و سپس مقابله به مثل انجام شود. زحیلی معتقد

است استفاده از این سلاح‌ها برای اقدام متقابل در صورتی که دشمن به فکر استفاده از آن علیه مسلمانان افتد، به منزله بازدارندگی بوده و البته نباید در آن تعدی روا داشت. البته بعید است منطق و وجدان انسان‌ها اعم از مسلمین و غیرمسلمین، این اقدام را آن هم توسط سلاح‌های کشتار جمعی بپذیرد. از سوی دیگر، هر فعل تلافی‌گونه‌ای ذاتاً و ابتدائاً نیاز به مجوز از سوی شارع دارد که در این مسئله تجویزی از شارع به ما نرسیده است. از این رو به دلیل عدم امکان رعایت مماثلت و به خاطر اثرات مهلک بر جان و مال انسان‌های فعلی و آینده، استفاده از این تسلیحات در مقام دفاع یا مقابله به مثل جایز نیست (زحیلی، ۱۴۱۸: ص ۱۴۳).

۳-۱-۲-۳. قاعده وزر

با توجه به ماهیت تسلیحات نظامی قدیمی، این قاعده در موضوعات مرتبط با حقوق جنگ کمتر مورد بررسی اندیشمندان و فقهای مسلمان قرار گرفته است؛ هر چند به طور پراکنده در آثار فقها از قدیم تا کنون مورد توجه بوده است. مطابق مستندات قاعده وزر، از جمله آیه ۱۶۴ سوره انعام: «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ؛ هیچ گناهکاری بار گناه دیگری را بر دوش نمی‌کشد» و آیه ۱۵ اسراء و آیه ۱۸ فاطر و نیز روایات و حکم عقل، دامنه مجازات نباید فراتر از محدوده کسانی رود که استحقاق آن را دارند (محقق داماد، ۱۳۸۳: ج ۴، ص ۱۵۸). به تعبیر دیگر، کشتن بی‌گناهان به خاطر تعداد معدودی گناهکار صحیح نیست؛ چرا که هیچ‌کس نباید دچار عواقب وزر و وبالی گردد که سبب آن از ناحیه دیگران تحقق یافته است؛ در حالی که استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی، باعث انهدام و خسارت به شیوه‌ای گسترده و بدون تفکیک می‌شود و مجموعه‌ای از افراد بی‌گناه را نیز مورد هدف قرار می‌دهد و حتی متوجه نسل‌های آینده هم خواهد شد.

استفاده از این تسلیحات حتی اگر در مقام مقابله به مثل باشد، با مستندات قرآنی و روایی قاعده وزر تعارض دارد؛ زیرا بر اساس این قاعده در به کار بردن ابزار و تسلیحات نظامی، صرفاً افراد نظامی و فرماندهان و سردمداران جنگی مد نظر هستند و قتل افراد بی گناه توجیه شرعی ندارد (لطفی و همکاران، ۱۳۹۵: ص ۱۹۷).

۳-۲-۴. قاعده اضطرار

طبق نظر فقهای شیعه و اهل سنت، به هنگام وجود یک ضرورت یا اضطرار، اموری که مورد نهی و منع شارع یا عقل قرار گرفته اند، از ممنوعیت خارج می شوند. یکی از ضوابط اجرای قاعده «الضرورات تبیح المحظورات»، ملاحظه غایت ارتکاب فعل ممنوعی است که در شرایط اضطرار مجاز می شود؛ بدین معنا که با ارتکاب فعل ممنوع، نباید ضرری مساوی یا بزرگتر از ضرر حاصل از عدم ارتکاب فعل ممنوع به وجود آید. پس ازاله ضرر ناشی از اضطرار باید با وسایل و اعمالی صورت گیرد که ضرر کمتر به بار می آورد. تحقق حالت اضطرار برای مضطر شرایطی دارد؛ از جمله آنکه خطر، بالفعل یا قریب الوقوع باشد و برای دفع اضطرار یا ضرورت، راهی جز ارتکاب فعل حرام وجود نداشته باشد و اینکه خطر به وسیله خود مضطر ایجاد نشده باشد. منظور از ضرورت نظامی نیز تسری قاعده ضرورت به حوزه جنگ است، به صورتی که با به وجود آمدن حالت ضرورت، ارتکاب فعلی که در شرایط عادی جنگ ممنوع است، مجاز می گردد (محقق داماد، ۱۴۰۰: ص ۱۱). از سوی دیگر با در نظر گرفتن قاعده اضطرار، حفاظت از محیط زیست نیز مطلق نیست و باید با ضرورت نظامی سنجیده شود. بنابراین حتی اگر اساساً قطع درختان و تلف کردن حیوانات ممنوع باشد، باز هم علمای مذهب حنبلی، مالکی و شافعی در صورت لزوم برای غلبه بر دشمن، چنین رفتاری را مجاز می دانند و علمای مذهب حنفی چنین تخریبی را با هدف تضعیف اقتصاد دشمن توجیه کرده اند (Djanaraliev, 2023: p24; Hashmi, 2004: p 330).

البته با بررسی و دقت در عبارت الضرورات تبیح المحظورات، به این نکته پی می‌بریم که ایجاد ضرورت، نمی‌تواند مباح‌کننده همه ممنوعات و محظورات باشد؛ بلکه برخی افعال ممنوع به‌هیچ‌وجه مباح نمی‌شوند و تنها ممنوعاتی مباح می‌شوند که میزان مخاطرات آن کمتر از مخاطرات ناشی از عدم انجام فعل ممنوع باشد. بر این اساس، در شرایط اضطرار جنگی چه بسا کشتن چند غیرنظامی برای محافظت از جان بسیاری از مسلمانان ارجحیت داشته باشد و منفعت بیشتری را حاصل کند. در این شرایط نمی‌توان گفت اگر ادله شرعی، کشتار غیرنظامیان را جایز ندانسته باشد، کشتن حتی یک نفر از اینان، ولو در حالت اضطرار نیز جایز نیست (احسانی فر، ۱۳۹۶: ص ۲۴-۲۵).

استفاده از تسلیحات کشتار جمعی که باعث کشتار انبوهی از نظامیان و غیرنظامیان در منطقه دشمن یا مناطق اطراف می‌شود و همچنین سبب ایجاد آسیب برای نسل‌های بعدی می‌شود، مفاسد فراوانی دارد و در این حالت بسیار بعید است که طبق ادله شرعی، ایجاد خسارت گسترده به غیرنظامیان و محیط زیست و نسل آینده بشری، به دلیل اضطرار، مباح شمرده شود. از سوی دیگر، اسلام هرگز مشتاق خونریزی نبوده و هدفش از جهاد، اعتلای کلمه الله و حکمرانی در زمین بر اساس قانون خداوند است؛ بنابراین استفاده از این سلاح‌ها علیه دشمن جایز نیست؛ مگر اینکه ضرورتی در استفاده وجود داشته باشد که غلبه بر دشمن یا دفع شر آنها از مسلمانان جز با آن ممکن نباشد یا مشروط به دفاع و مقابله به‌مثال، مورد استفاده قرار گیرد که در این حالت قاعده تقدیر ضروریات حاکم می‌گردد. در نتیجه با توجه به قواعد فقهی نظیر لاضرر، قاعده عدالت، قاعده منع فساد فی الارض، قاعده لایقتل و... عدم جواز استفاده از این تسلیحات در آغاز جنگ (حمله ابتدایی) یا در زمان دفاع بررسی شد.

۲-۳. کاربرد تسلیحات کشتار جمعی در زمان صلح

اسلام دینی جهان شمول با پیامی جهانی مبتنی بر دعوت به صلح برای همگان است. آیات و روایات زیادی در خصوص اصالت و اهمیت صلح دلالت دارد که امری موافق عقل و فطرت بشری است، از جمله «نساء: ۱۲۸؛ انفال: ۶۱؛ بقره: ۲۰۸؛ حجرات: ۹». همچنین قرارداد صلح به اجماع فقیهان اسلام برای دولت اسلامی جایز است و در فقه شیعه امور جنگ و صلح به صلاحدید امام (دولت اسلامی) واگذار شده است. اغلب علما و فقهای شیعه و اهل سنت، اصل را در روابط مسلمانان با غیرمسلمانان بر صلح دانسته‌اند و برخی نیز اصل را بر جنگ دانسته‌اند (میرمحمدی، ۱۳۹۱: ص ۱۸۸-۱۸۹).

در این بخش، قواعد فقهی نظیر عدم استیلاء، مصلحت، اثم و... مورد رجوع قرار می‌گیرد. مهم‌ترین ادله‌ای که برای تبیین جواز تولید و نگهداری سلاح‌های کشتار جمعی می‌توان مطرح کرد، ادله وجوب آمادگی برای دفاع و لزوم مجهز شدن به این سلاح‌ها به منظور بازدارندگی و ارباب دشمن است که در قواعد فقهی متناسب با آن بررسی می‌شود.

۳-۲-۱. قاعده «الضرورات تقدر بقدرها»

در فقه و حقوق اسلامی، ضرورت و اضطرار موجب تغییر حکم واقعی اولیه به ثانویه می‌شود. در جنگ مسلمانان با کفار اگر حفظ اصل اسلام یا جمعیت مسلمانان متوقف بر استفاده از هر ابزاری باشد یا دشمن از سلاح‌های نامتعارف استفاده کند یا مسلمانان بدانند که اگر از این نوع سلاح‌ها استفاده نکنند، اصل دین و یا تمام جمعیت مسلمین از بین می‌رود، مصداق ضرورت محقق خواهد شد؛ البته استفاده از تسلیحات کشتار جمعی در این فرض محل نزاع است. بر اساس مفاد قاعده، گاهی چنین به ذهن می‌رسد که اگر استفاده از تسلیحات، تنها راه پیروزی در مقابل سپاه دشمن باشد یا اینکه وضعیت

ضرورت یا اضطرار برای سپاهیان اسلام به وجود آمده باشد، می‌توان قائل به جواز استفاده از آنها شد؛ درحالی‌که صرف پیروزی برای اسلام موضوعیت ندارد و پیروزی از راه درست مد نظر شارع مقدس است.

باید توجه داشت که بر اساس کلام فقها، استناد به ضرورت، صرفاً مسیر را به اندازه‌ای که نیاز است هموار می‌کند و نباید چنین متصور شود که ضرورت، مجال را در مقابل سپاهیان اسلام می‌گشاید تا به هر نوع سلاح و ترفندی توسل جویند. قاعده «الضرورات تقدر بقدرها» بیانگر این مطلب است که تنها تا رفع حالت ضرورت و به تناسب خطر و تهدید موجود، انجام فعل اضطراری جایز است. گاه با یک اقدام مباح می‌توان از خود، رفع خطر کرد و گاه دفع خطر مستلزم ارتکاب فعلی است که در شرایط عادی نامشروع است. بدون توجه به این قواعد نمی‌توان قائل به جواز بی‌حد و حصر استناد به این ضرورت و اضطرار شد؛ زیرا این امر نه تنها با روح دین اسلام سازگاری ندارد؛ بلکه با تمامی اخبار و روایاتی که برای جهاد، چهارچوب تعیین می‌کند، تعارض پیدا می‌کند (لطفی و همکاران، ۱۳۹۵: ص ۱۹۵).

۳-۲-۲. قاعده مصلحت

مصلحت در اصطلاح عبارت است از جلب منفعت و دفع مضرات. یکی از مفاهیم کلیدی در فقه شیعه، قاعده مصلحت است که مطابق آن، احکام فقهی دائرمدار مصالح و مفاسد هستند و مقصود شارع، دستیابی به مصالح ضروری پنج‌گانه (دین، نفوس، عقول، نسل و اموال) است. از این رو آنچه مصلحت عمومی را تهدید می‌کند، ممنوع شده و آنچه متضمن مصالح عامه است، باید انجام پذیرد. نکته دیگر این است که مصالح اولویت دارند و حاکم اسلامی مرجع تشخیص این اولویت‌ها در مقام تعارض آنهاست (امام دادی، ۱۳۹۵: ص ۵۴).

بر اساس کاربرد قاعده، ائمه مسلمانان، حاکمان، رهبران سیاسی و نظامی آنان حق دارند اعمال و کردار و سیاست‌هایی را انجام دهند که به نتیجه مطلوب برای مسلمین و دفع ضرر آنان برسد؛ بنابراین واضح است که یکی از واجب‌ترین وظایف حاکم اسلامی، حفظ امت و دفاع از ملت و تلاش در راه مصالح است. اگر در تولید سلاح کشتار جمعی یا نگهداری آن به عنوان قدرت طلبی یا بازدارندگی و ارباب دشمن یا استفاده از آن را در شرایط اضطراری مصلحت بداند، حق دارد این کار را انجام دهد (شافعی پور، ۱۴۰۰: ص ۲۲۹؛ صلاحین، ۲۰۰۵: ص ۱۶۷).

۳-۲-۳. قاعده اثم

طبق این قاعده، اگر گناه و زشتی یک عمل از نفع و سود آن عمل بیشتر و بزرگ‌تر باشد، آن عمل حرام می‌شود (بروجردی، ۱۴۲۱: ۲۳۹). اگرچه ظاهر آیه ۲۱۹ بقره «إِنَّهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا» درباره خمر و میسر است و شارع، بزرگ‌تر بودن اثم را در این مورد اعلام کرده است؛ ولی بر هر موردی که بزرگ‌تر بودن اثم در آن احراز شود، قابل تطبیق است. امروزه کشورهای مختلف جهان برای حفاظت از منافع خود در قبال کشورهای دارای بمب هسته‌ای، تحریک به تولید و انباشت آن می‌شوند و خواهان بهره‌مندی از قدرت بازدارندگی این نوع تسلیحات هستند. این مسابقه خطرناک، اثمی را سبب می‌شود که بیشتر از منافع احتمالی برخورداری از این نوع سلاح‌ها است (سبحان، ۱۳۹۹: ص ۱۱۲). به تعبیر دیگر، در برابر نفع احتمالی استفاده از این تسلیحات که همان غلبه بر دشمن یا تضعیف اوست، ده‌ها عنوان ضرر غیر قابل جبران پدید می‌آید (لطفی و همکاران، ۱۳۹۵: ص ۲۰۱).

تشخیص زشتی بهره‌گیری از تسلیحات کشتار جمعی به حکم عقلا و وجدان آدمی مسلم است و به نظر می‌رسد تمام عقلای جهان بر نهفتگی فساد بزرگ در این تسلیحات اتفاق نظر دارند. از سوی دیگر، بهانه سودمندی این سلاح‌ها برای جلوگیری از جنگ را می‌توان با

قاعده فقهی-قرآنی اثم به این شکل رد کرد که با فرض پذیرش درستی نظریه بازدارندگی، اگر کشورهای دنیا همگی به دنبال ساخت و انباشت این تسلیحات بروند، در این صورت جهانی در آستانه انفجار و نابودی بشر و حیات روی زمین، برای مردم متصور خواهد بود و با این تصور وحشتناک، توجیهی برای سودمندی احتمالی این سلاح نخواهد ماند.

۳-۲-۴. قاعده عدم استیلاء

در حدیث نبوی مشهور «الإسلام یعلو ولا یعلی علیه» علو و برتری به معنای سلطه و استیلاء است و مقصود از آن اثبات برتری مسلمانان بر پیروان سایر مکاتب است. در شریعت اسلام تنها از وسیله‌ای که شارع آن را تأیید کرده باشد، می‌توان برای غلبه بر دشمن استفاده کرد (سبحان، ۱۳۹۹: ص ۱۰۸). درست است که طبق حدیث مذکور باید بر دشمن غلبه داشته باشیم و از غلبه دشمن بر اسلام و مسلمین جلوگیری کنیم؛ اما به هر روش و وسیله‌ای نباید این کار صورت بگیرد. هجوم دشمنان به سرزمین‌های اسلامی به تسلط آنها بر شئون مختلف زندگی مسلمانان می‌انجامد و تسلیم در برابر آنان به عزت و شرافت و برتری مسلمانان خدشه وارد می‌کند. به منظور جلوگیری از تسلط دشمن لازم است تا از امکانات دفاعی به طور کامل برخوردار شده و تنها در این صورت می‌توان از هجومی که به سلطه کافران می‌انجامد، جلوگیری کرد. امکانات دفاعی باید به روز و هماهنگ با آخرین پیشرفت‌ها باشد تا بتوان با استفاده از آن در مقابل دشمنی که برخوردار از آخرین تجهیزات نظامی است، مقابله و ایستادگی کرد (Hashmi, 2004: p 328).

از سوی دیگر، برخی علمای شیعه و اهل سنت طبق حکم ثانویه معتقدند که برای خنثی‌سازی حملات نظامی دشمن و به مصداق آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ» در شرایط خاص، تولید و انباشت این نوع سلاح جایز است. زمانی که دشمن هنوز از این سلاح استفاده نکرده و فقط مجهز به آن سلاح باشد، اگر مسلمانان نیز این

سلاح را داشته باشند، از جهت بازدارندگی در برابر دشمن مؤثر است. در این حالت با توجه به معنای اعتدا که در آیه ۱۹۰ سوره بقره، صرف داشتن یک سلاح یا در اختیار داشتن یک تکنولوژی، اعتدا محسوب نمی شود تا بتوان بر اساس این آیه مجوز مقابله به مثل آن را صادر کرد (فاضل، ۱۳۹۲: ص ۱۸؛ صلاحین، ۲۰۰۵: ص ۱۶۶).

کمیته فتوای الازهر و غالب علمای معاصر اهل سنت با توجه به آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ» بر اهمیت تولید سلاح های هسته ای و دیگر سلاح های پیشرفته توسط ملت های اسلامی با هدف دفاع از خود و ترساندن دشمن، به ویژه با توجه به وجود این سلاح ها در دست دشمنان، تأکید کرده اند (ناصر، ۱۴۳۵: ص ۱۴۵).

۴. نتیجه گیری

در این مقاله سعی شد قواعد فقهی مذاهب در ارتباط با کاربرد تسلیحات کشتار جمعی، چه در زمان جنگ (آغاز جنگ و یا دفاع) و چه زمان صلح بیان شود و به شرایط و محدوده اجرای این قواعد نیز اشاره شد.

طبق این پژوهش، قواعدی همچون «لاضرر، حرمت سعی فساد فی الارض، عدالت، لا یقتل غیر المقاتل، تابعیت، کل ما یرجی به الفتح» در ارتباط با شروع جنگ و قواعدی نظیر «منع اعتداء، مقابله به مثل، وزر، اضطرار» در ارتباط با دفاع در مقابل دشمن و نیز قواعدی مانند «الضرورات تقدر بقدرها، مصلحت، اثم، عدم استیلاء» مربوط به زمان صلح دسته بندی شدند و نتایج ذیل از بررسی این قواعد حاصل شد:

فقه های شیعه و غالب فقه های اهل سنت بنا بر حکم اولیه، استفاده از تسلیحات کشتار جمعی را در شروع جنگ ممنوع می دانند و قائل به حرمت آن هستند؛ اما برخی از فقه های اهل سنت طبق حکم ثانویه بنا بر ضرورت در زمان جنگ، استفاده از این سلاح ها را جایز می دانند.

غالب فقهای شیعه و اهل سنت بر مبنای قواعد فقهی و ضوابط محدودکننده، جواز استفاده از این تسلیحات را حتی در شرایط دفاع و اضطرار مجاز نمی دانند؛ اما عده ای از فقها قائل به وضعیت ضرورت موجّه، به ویژه در مورد اصل حفظ کیان اسلام هستند و به همین دلیل در مواقع اضطرار، استفاده از این تسلیحات را جایز می دانند.

در خصوص زمان صلح بر پایه بعضی قواعد فقهی از جمله مصلحت، حاکم اسلامی می تواند تولید و نگهداری این تسلیحات را به منظور اربعاب و بازدارندگی از جنگ مجاز بداند. همچنین به نظر می رسد فقهای مذاهب اسلامی قائل به این مسئله هستند که با توجه به مجهز بودن دشمنان به تسلیحات کشتار جمعی، تأمین این تسلیحات شرایط را برای دفاع مناسب فراهم می کند و دستیابی به آنها شرایط را برای حفظ علو و برتری اهل اسلام فراهم می کند؛ چنان که لازمه عمل به قاعده عدم استیلاء و نیز آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ وَاسْتَطْعِمُوهُمْ» این است که وضعیت دفاعی به گونه ای فراهم شود که دشمنان حریص و تجاوزگر هیچ گاه خیال خام حمله و سلطه را در سر نپرورانند.

منابع

قرآن کریم

- ابوالبرکات، احمد (بی تا) الشرح الكبير، بیروت: دار الاحیاء الکتب العربیة.
- احسانی فر، احمد (۱۳۹۶)، «تحلیل فقهی فتوای رهبری مبنی بر حرمت استفاده از سلاح هسته ای در پرتو نظریه تابعیت»، مجله حکومت اسلامی، ش ۴، ص ۵-۳۴.
- امام دادی، علیرضا؛ ثقفی، مهدی (۱۳۹۵)، «حمایت از محیط زیست در پرتو قواعد فقهی»، فصلنامه حقوق محیط زیست، ش ۱، ص ۴۰-۵۵.

- ایزدی فرد، علی اکبر (۱۳۹۵)، «جایگاه قواعد فقهی در تمدن اسلامی»، کنفرانس بین المللی علمی پژوهشی مناسبات علوم انسانی و تمدن اسلامی.
- بروجردی، حسین (۱۴۲۱ق)، لمحات الاصول، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۰)، منهاج الصالحین، قم: نشر مدینه العلم.
- زحیلی، وهبه (۱۴۳۰ق)، التفسیر المنیر فی العقیدة والشریعة والمنهج، دمشق: نشر دارالفکر.
- (۱۴۱۸)، آثار الحرب فی الفقه الإسلامی؛ دراسة مقارنة، دمشق: نشر دارالفکر.
- زحیلی، محمد مصطفی (۱۴۲۷ق)، القواعد الفقهیة وتطبیقاتها فی المذاهب الأربعة، بیروت: دارالفکر.
- ساعد، نادر (۱۳۹۰)، حقوق بشردوستانه و سلاح های هسته ای، تهران: وزارت امور خارجه.
- سبحان، محسن؛ موسوی بجنوردی، سید محمد؛ عربیان، اصغر (۱۳۹۹)، «قواعد فقهی منع کاربرد تسلیحات کشتار دسته جمعی در مخاصمات مسلحانه بین المللی»، پژوهش های روابط بین الملل، ش ۱ (پیاپی ۳۶)، ص ۱۰۱-۱۳۲.
- شافعی پور، ایوب (۱۴۰۰)، مطالعه تطبیقی اخلاق جنگ در پرتو فقه مذاهب اسلامی و کنوانسیون های ژنو، تهران: مجمع جهانی تقریب.
- صالحین، عبدالمجید محمود (۲۰۰۵)، «اسلحه الدمار الشامل وأحكامها فی الفقه الإسلامی»، مجلة الشریعة والقانون، العدد الثالث والعشرون، ص ۹۵-۱۸۳.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۵)، حقوق بین الملل عمومی، تهران: نشر گنج دانش.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی حائری، سید علی بن محمد (۱۴۱۸)، ریاض المسائل فی التحقیق الأحکام بالدلائل، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- طرابلسی، عبدالعزیز (۱۴۰۶ق)، المذهب، قم: انتشارات اسلامی.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۳۶۵ش)، المبسوط فی فقه الإمامیة، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
- عاملی شهیدثانی، زین الدین (۱۴۱۰)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، قم: کتابفروشی داوری قم.

عوض، عادل موسی (۲۰۰۷م)، أسلحة الدمار الشامل وموقف الفقه الإسلامي منها «دراسة مقارنة»، بی جا: جامعه ام القرى.

فاضل لنکرانی، محمدجواد (۱۳۹۲)، «تولید و استفاده از تسلیحات کشتار جمعی از دیدگاه فقه اسلامی»، مجله حقوق اسلامی، ش ۳۹، ص ۷-۳۴.

فیروزی، مهدی (۱۳۹۲)، «لا یقتل غیر المقاتل؛ قاعده فقهی مصونیت غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه»، فقه، ش ۴، ص ۴۳-۶۳.

فضل الله، سید محمد حسین (۱۴۱۹)، الجهاد، بیروت: دار الملاک.

قائمى خرق، سید محسن؛ لری نژاد، محمد (۱۳۹۵)، قواعد فقه بشردوستانه «مقدمه ای بر فقه تمدن»، تهران: مجد.

قربان نیا، ناصر (۱۳۹۲)، اصول حاکم بر حقوق بشردوستانه در پرتو قرآن کریم، مجموعه مقالات دومین همایش اسلام و حقوق بشر دوستانه بین المللی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی بنیاد پژوهش های اسلامی.

لطفی، عبدالرضا، و همکاران (۱۳۹۵)، حقوق بشردوستانه در منابع اسلامی و اسناد بین المللی، تهران: نشر هستی نما.

لطفی احمد، احمد محمد (۲۰۱۴)، «استخدام أسلحة الدمار الشامل فی الفقه الإسلامي»، مجلة کلیة الشريعة والقانون، المجلد ۱۶، العدد ۱، ص ۱-۹۹.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

محقق حلی، نجم الدین جعفر بن الحسن (۱۴۰۸)، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام، قم: مؤسسه اسماعیلیان.

محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۳)، قواعد فقه بخش مدنی، تهران: انتشارات علوم.

محقق داماد، سید مصطفی؛ نادر، اخگری بناب (۱۴۰۰)، «دامنه اعمال قاعده ضرورت بر مقررات جهاد در فقه اسلامی»، حقوق اسلامی، ش ۶۸، ص ۷-۳۶.

محقق ثانی، علی بن الحسین (۱۴۱۴)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم: مؤسسه آل بیت لاحیاء التراث. محمدی، ابوالحسن (۱۳۸۷)، قواعد فقه، تهران: میزان.

مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۴ق)، تفسیر الکشاف، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

میرمحمدی، سیدمصطفی (۱۳۹۱)، اصل عدم مداخله در اسلام و حقوق بین الملل، قم: نشر دانشگاه مفید. ممتاز، جمشید (۱۳۷۷)، حقوق بین الملل سلاح های کشتار جمعی، ترجمه: امیرحسین رنجبریان، تهران: نشر دادگستر.

ناصر، الشیخ علی (۱۴۳۵)، «منطلقات فقهیه لإنتاج أسلحة الدمار الشامل»، فصلنامه الوحدة الاسلامیه، ش ۱۴۵.

نیکنام، محمدرضا، و همکاران (۱۴۰۲)، «حفظ محیط زیست در پرتو قواعد فقهیه»، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ش ۳۰، ص ۲۸۹-۳۲۰.

Hashmi, sohail h, Ethics and Weapons of Mass Destruction Religious and Secular Perspectives, Cambridge University Press, 2004.

Djanaralieva, Kheda, Prohibition of the use of nuclear weapons under Islamic Law: filling the gap of International Humanitarian Law ?, Asia Pacific Journal of International Humanitarian Law, Vol. 4, 2023 Edition.